



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۲۸



حامد ابراهیمی

شعری از خلیلی بزرگ

ادبیات
تلمیح در دیوان اشعار خلیل الله خلیلی



[hamedfalah's Official](#)

ادبیات فارسی، تلمیح در دیوان خلیل الله خلیلی، زندگی استاد خلیل الله خلیلی، شعری از خلیلی
قسمت پنجم

مقدمه

به داغ نامرادی سوختم، ای اشک! طوفانی
به تنگ آمد دلم زین زندگی، ای مرگ جولانی

آن شراره عشقی که برق آن هزاران خورشید تابان را در این بحر بیکران افروخته و چراغ های ماه و انجم را در شبستان آسمان ادبیات روشن ساخته و آن شعله آسمان که صد هزاران خرمن گردون و قافله ادبیات را مجذوب خود ساخته و ادبا را در فضای بی انتهای عالم حیران و سرگردان می گرداند، دل های همه را در عین حیرت چنگ می زند، و به منزل مقصود رهنمایی میکند. و آن اشراق لاهوتی که سینه های خاصان را روشن تر از ماه گردانید که برق جهان سوز آن از کدام افق طلوع کرده است و چیست؟

او همان فرزند دوران پرتلهاب و پرحادثه، بزرگ مردی از شرق به نام استاد خلیلی است. این شاعر بزرگ فزازهایی را در دوران زندگی هشتاد ساله خود تجربه نمود که باعث رشد افکار و ماندگار شدن وی شده است. استاد خلیلی شاعری به انزوا خزیده و دور از سیاست و اجتماع نبود، و همیشه فردی بود در درون جامعه و مسلط بر اوضاع عصر و زمان خود. ایشان شاعری بوده است که به ادبیات جهان آشنایی کامل داشته است. (۴، ص ۲۵۲)



حضرت موسی (ع)

در سینه سر فرو کن و سینا بیافرین
و زجیب خویش صد ید بیضاء بیافرین

(۴، ص ۲۹۹)

توضیح:

این شعر اشاره به داستان حضرت موسی (ع) است که داستان کامل آن در قرآن کریم در سوره بقره بیان شده است و حضرت موسی علیه السلام یکی از پیامبران برتر خداوند بوده است، شاعران و نویسندگان بسیاری، از این داستان در آثارشان استفاده نموده اند.

خلاصه داستان:

در میان بنی اسرائیل شایع شده بود که در میان آنها مردی تولد خواهد شد، که کل دستگاه ظلم و ستم را از بین خواهد برد. وقتی این خبر به فرعون رسید، سخت برآشفته و هر چه بیشتر بر گمراهیهایش افزود پسران بنی اسرائیل را کشت و دختران آنها را باقی گذاشت؛ اما قدرت خداوند بالاتر از آن است زیرا در ازل چنان مقدر نموده بود که ظلم و ستم فرعون توسط طفلی که در خانه اش تولد می شود، از بین برود. (۳، ص ۵۱۴)

حضرت موسی علیه السلام پیامبری بوده که خداوند آن را به قوم بنی اسرائیل فرستاد تا بنی اسرائیل را از شر ظلم و ستم فرعون و جور زمانه نجات دهد. و خود موسی در کوه طور یا سینا با خداوند هم کلام شده است و به همین دلیل حضرت موسی علیه السلام را "موسی کلیم الله" می گویند خداوند (ج) به حضرت موسی علیه السلام معجزاتی از قبیل: "ید بیضاء" و "عصای معجزه آسا" فرستاد، که با این دو نشان خداوندی حضرت موسی علیه السلام به سوی سرزمین فرعون آمد و فرعون را که ادعای خدا پرستی داشت به یک تا پرستی دعوت نمود.

فرعون این دعوت نجات بخش را رد نموده و بالاخره در جهل ابدی خود ماند. (۳، ص ۳۹۲)

حضرت موسی علیه السلام بعد از آن حادثه ای که یک مرد قطبی را کشت به شهر مداین آمد و با دختر حضرت شعیب علیه السلام ازدواج نمود. حضرت موسی علیه السلام از جمله پیامبران الهی یکی از پیامبران اولوالعزم خداوند است که برای رستگاری قوم خود از هیچ کاری فرو گذاشت نکرده است. (۳، ص ۳۹۰)

استاد خلیلی الله خلیلی افغان علاوه بر بیت فوق اشعار دیگری نیز که اشاره به این داستان کرده باشد، دارد که اینک برای شما بیان خواهیم نمود.

نور حق گر نشدی مشتعل از سینه طور

اهل انصاف نگویند که سینا جایی است

(۴، ص ۴۳۹)

نیل را کردند منزلگاه فرعونان

عصر طور را معراج آرای شبانان ساختند

(۴، ص ۴۳)

راز حق را زان شبان دشت پیما گوش کن

قصه فرعون را از موج دریا گوش کن

(۴، ص ۴۹)

کار عشق افتاده در دست هوس

آتش سینا کجا و خار و خس

(۴، ص ۴۰۹)

گاه فرعونان در آن دیدن روی خویش را

با عصاهای طلایی، با ردا های طویل

(۴، ص ۱۶۱)

روشن است از موسی در پرتو مهر ازل

مشعل نوری که بود از وادی موسی عیان

(۴، ص ۱۸۲)

راز های سامری را می شکافد با قلم

معجز موسی نماید چون فتد کلکش به کار

(۴، ص ۱۳۳)

زمشت خاک فرعون نشاید گر کند آخر شبانی

کرده وارونش عصایی کرده ویرانش

(۴، ص ۵۵)

ز فرعون خویان ملومم، سپس چشم به

رود و عصا و شبان می گذارم

(۴، ص ۱۷۱)

آن عصا رمز شبانی بوده است
گر چه راز آسمانی بوده است

(۴، ص ۷۵۴)

بر طالب کمال ز اعجاز خامه اش
اینک کلیم وش ید بیضاء بیافرین

(۴، ص ۱۷۴)

چند پوشی آسمان را در زمین
دست موسی را بر آر از آستین

(۴، ص ۵۷۴)

برای غرق فرعونان آدمخوار در هر جا
شبانی در کفش چون معجز موسی عصا با توست

(۴، ص ۴۶۳)

یا شبان شعیب را به نوال ازدها فش عصا فرستادی

(۴، ص ۱۱۶)



پایان قسمت پنجم

ادامه دارد